

انتخابات ریاست جمهوری ایران : بحث کاندیداها بر چرخش استراتژیک

سه‌ند آودیس و الکس لانتیر

۴ ژوئن ۲۰۰۹

استراتژی ملی وجه غالب مبارزات انتخاباتی ۱۲ ژوئن ریاست جمهوری ایران ، میان چهار کاندیدای تایید شده توسط شورای نگهبان می باشد . همزمان با بحران اقتصاد جهانی و انتظار تغییر سیاست خارجی ایالات متحده پس از انتخاب باراک اوباما، بخشهای قابل توجهی از بورژوازی ایران در تلاشند تا سیاستهای اجتماعی و دیپلماتیک رئیس جمهور کنونی، محمود احمدی نژاد را تغییر دهند.

پس از محکوم کردن افراد قدرتمند حکومتی "مافیای نفتی" که درآمد نفتی ایران را کنترل می کنند احمدی نژاد پیروزی غیر منتظره ای را در انتخابات سال ۲۰۰۵ بدست آورد. از آن زمان او به یکی از مخالفان اصلی واشنگتن در خلیج فارس تبدیل شده است. دولت او از سازمانها و احزاب اسلامی همچون حماس در غزه و حزب الله در لبنان که هدف امپریالیسم ایالات متحده قرار گرفته اند حمایت کرده است و برنامه ی هسته ای را در پیش گرفته که ایالات متحده آنرا محکوم کرده است. او با زیر سؤال بردن قتل عام دسته جمعی یهودیان توسط نازیها تنش با اسرائیل را افزایش داده است. رسانه های جمعی غرب از او تصویری پلید به نمایش گذاشته اند و دولت بوش از مذاکره ی آشکار با دولت او خودداری کرد.

در کارزار انتخاباتی کنونی، توافقی گسترده مابین همه ی کاندیداها برای برقراری روابط نزدیکتر با ایالات متحده و تحمیل ریاضت اقتصادی به طبقه ی کارگر به چشم می خورد. این شامل احمدی نژاد و محسن رضایی فرمانده ی سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کاندیداها ی جناح مذهبی و محافظه کار اصول گرا) و نخست وزیر سابق میرحسین موسوی و سخنگوی اسبق پارلمان مهدی کروبی (کاندیداها ی بیشتر متمایل به غرب اصلاح طلب) می باشد.

احمدی نژاد این تغییر موضع را با فرستادن نامه ای به اوباما و تبریک پیروزی او در ۶ نوامبر اعلام کرد و نوشت "ملت بزرگ تمدن ساز و عدالت خواه ایران از تغییرات عمده منصفانه و حقیقی در سیاستها و عملکردها بخصوص در این منطقه استقبال می کند."

کروبی که کاندیداتوری خود را در آگوست گذشته اعلام کرد از احمدی نژاد به دلیل سیاستهای سرکوبگرانه اش بویژه بر ضد دانشجویان انتقاد کرده است. او همچنین پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۵ با اتهام تقلب انتخاباتی با رهبر نظام ، علی خامنه ای رویارو شد. او ضمن سخنرانی ۲۱ می از طریق تلویزیون دولتی ایران گفت: "یکی از دلایلی که ضروری دیدم در این انتخابات وارد صحنه شوم، محدودیت آزادی مردم توسط حکومت به ویژه تصویب و حذف کاندیداها و دخالت سازمانیافته ی نیروهای نظامی در انتخابات گذشته است."

در همان سخنان کروبی از روابط احمدی نژاد با دیگر کشورها انتقاد کرد: " این نباید به صورت رویارویی یا تسلیم باشد. ما می توانیم بر اساس منافع ملی خودمان با آنها رابطه داشته باشیم... آنچه ما می بینیم این است که جمهوریت نظام ما بدلیل این سیاستهای نسنجیده در خطر است."

پس از مراسم معارفه ی اوباما در ژانویه، گزارشاتی حاکی از آماده کردن نامه ای از سوی وزارت امور خارجه آمریکا مبنی بر پیشنهاد مذاکره با ایران منتشر شد. در دهم فوریه احمدی نژاد اعلام کرد مایل است "در فضایی منصفانه و با احترام متقابل" با آمریکا مذاکره کند.

در هشتم فوریه، رئیس جمهور سابق محمد خاتمی، یک اصلاح طلب که از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ در این سمت بود و سیاست بازار آزاد مبنی بر گشودن ایران به روی سرمایه گذاران اروپایی و آسیایی را پیگیری کرد به طور موقت به رقابت انتخاباتی پیوست. اما پنج هفته بعد ظاهراً با این حساب که تصویر محافظه کارانه تر موسوی انتظارات کمتری را در میان رای دهندگان اصلاح طلب و مخالفت کمتری را از سوی اصول گرایان بر خواهد انگیزد به سود موسوی کنار رفت.

نیویورک تایمز از تحلیلگر اصلاح طلب سعید لیلان اقتصاد دان مدیر مسئول روزنامه ی سرمایه چنین نقل قول کرد: " بسیاری هستند که فکر می کنند اگر خاتمی دوباره انتخاب شود با همان موانع دوره قبلی ریاست جمهوریش مواجه خواهد شد". لیلان اضافه می کند "نگرانی های جدی وجود دارد که تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهند داد آقای خاتمی پیروز شود ، حتی اگر لازم باشد تقلب کنند".

در حالیکه از کاندیداتوری انصراف می داد خاتمی به خبرگزاری مهر چنین گفت: "مخالفان می خواهند میان هواداران من و هواداران موسوی دودستگی ایجاد کنند. این به سود ما نیست. همچنین برخی محافظه کاران از موسوی پشتیبانی میکنند... موسوی محبوبیت دارد و می تواند برنامه هایش را اجرا کند و من ترجیح می دهم که در رقابت باقی بماند."

در جایگاه نخست وزیری از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ ، موسوی ناظر تحمیل سیاستهای ریاضت طلبانه اجتماعی برای تامین هزینه ی جنگ ایران و عراق بود. در انزمان او از مدافعان عادی سازی روابط با آمریکا و به رسمیت شناختن رژیم های عربی بود. در دوره ای که به رسوایی آمریکایی ایران-کنترا انجامید، موسوی خرید اسلحه از اسرائیل را ترتیب داد و ناظر سرکوب مخالفان مذاکرات با مسئولین آمریکایی برای اسلحه بود. از جمله اعدام مهدی هاشمی از چهره های برجسته سیاسی که تظاهراتی را در تهران بر علیه زدوبندهای پنهانی برای خرید اسلحه ترتیب داده بود.

در مطبوعات غربی، موسوی به عنوان رقیبی با بیشترین شانس برد در مقابل احمدی نژاد به حساب می آید. در گردهمایی ماه می، موسوی گفت: " مردم به دنبال مهارت ها ی مدیریت اثبات و سیاستهای اثبات هستند که بتواند برای آنان احساس آسایش و آزادی بیاورد." او در سخنرانش در اصفهان، از احمدی نژاد انتقاد کرد و گفت " شما کاری می کنید که باعث بدنامی ایرانیان در سراسر جهان می شود . ملت ما چنین حقی به شما نداده است... شما اقتدار ملت را تحت شعاع رفتار نسنجیده خود قرار دادید و ما را به جایی رساندید که ارزش گذرنامه های ما در طراز کشوری مثل سومالی قرار گرفته است."

در ماه مارس، احمدی نژاد چراغ سبز را برای کاهش بیشتر هزینه های اجتماعی به زیان طبقه ی کارگر نشان داد. او بودجه ای را تقدیم پارلمان ایران کرد که خواهان حذف یارانه هایی بود که بهای آب، بنزین، گاز طبیعی و برق را پایین نگه می دارد. این اقدام ظاهراً به دولت امکان اجرای طرح "هدفمند کردن یارانه ها" را برای فقیرترین اقشار جمعیت ، خواهد داد و در نتیجه از هزینه های دولت خواهد کاست.

برخی اصلاح طلبان از کاهش هزینه ها حمایت کردند. سعید لیلانز گفت " پرداخت نقدی یارانه تصمیم بسیار بزرگی است" و اضافه کرد که اگر این از سوی یک دولت اصلاح طلب پیشنهاد می شد "به اندازه ای کارشکنی و تبلیغات منفی صورت می گرفت که آن را در نطفه خفه می کرد." با این حال، چندین روزنامه ی اصلاح طلب از این اقدام انتقاد کردند. سرانجام این طرح بدلیل مخالفت علی لاریجانی، سخنگوی پارلمان از جناح محافظه کار که مسئول قبلی مذاکرات مسائل هسته ای بود زمین خورد. لاریجانی لایحه بودجه را بدون حذف یارانه ها دوباره نوشت و درخواست احمدی نژاد در شورای نگهبان را بی نتیجه گذاشت.

کاندیدای اصول گرای دیگر، محسن رضایی، در ۲۲ آوریل کاندیداتوری خود را اعلام داشت. او که بعد از پیروزی در نبرد آزاد سازی خرمشهر در ۱۹۸۱ در جنگ ایران عراق معروف شد، عمدتاً به سیاست خارجی احمدی نژاد حمله کرده و خواهان خطی متمایل تر به امریکا است. در مصاحبه ای در ۱۱ می با روزنامه ی آلمانی اشپیگل چنین گفت " تغییر سیاست خارجی امریکا در دولت اوباما قابل اعتماد است."

او ادامه داد: " امریکا دیگر علاقه ای به ماجراجویی های نظامی در سطح دنیا ندارد. این جو سالمی برای گفت و گو ایجاد می کند. هنگامی که امریکایی ها خود را تغییر دهند، ما هم رفتار خود را تغییر خواهیم داد. برای مثال ما می توانیم در فرایند صلح خاورمیانه نقش خود را بازی کنیم." در یک کنفرانس مطبوعاتی قبلی به نقل از وال استریت ژورنال، او سیاست خارجی احمدی نژاد را "تحریک آمیز" و "ماجراجویانه" توصیف کرد.

برای بورژوازی ایران، امکان بهبود روابط با واشنگتن دگرگونی شگرفی در چشم انداز جهانی اش خواهد داشت. با وجود این که ایران عمده ی سرمایه گذاری و تجارت خود را با رقیبان اروپایی و آسیایی سرمایه داری ایالات متحده به انجام می رساند، روابط مقابله جویانه تهران با واشنگتن نقش عمده تری را در زندگی سیاسی و اقتصادی کشور بازی می کند. در حال حاضر، ایالات متحده سرمایه گذاری در تاسیسات زیربنایی ایران و توسعه ی تجارت انرژی آن را محدود کرده است و مانع دسترسی آن به بازارهای مالی جهانی می شود و آن را با حمله ی نظامی تهدید می کند. ایالات متحده دو همسایه ایران، عراق و افغانستان، را اشغال کرده است و برای شدت بخشیدن به جنگی اعلام نشده در سومین همسایه ایران، پاکستان، آماده می شود.

بورژوازی ایران ممکن است در آرزوی بهبود وضعیت کنونی تیره و تار اقتصادی خود از طریق دسترسی به سرمایه گذاری ایالات متحده باشد. از زمانی سر کار آمدن احمدی نژاد در ۲۰۰۵، نرخ تورم سالانه از ۱۱ به ۲۵ درصد افزایش یافته، زمانی که افزایش درآمدهای نفتی بدلیل قیمت بالای نفت، سیلی از نقدینگی را به اقتصاد در حال رکود ایران سرازیر کرده است. بازده صنعتی در میان بیکاری بالا بطور مستمر کاهش داشته است. تورم در قیمت مواد خوراکی و کالاهای اساسی به همراه موجی از تعطیلی کارخانه ها، باعث شماری تظاهرات سراسری شده است.

تهران تاکنون کمک ارزشمندی به واشنگتن در عراق با منزوی کردن شبه نظامیان ضد امریکایی سپاه مهدی روحانی شیعه، مقتدی الصدر در ۲۰۰۷ و در افغانستان کرده است. به عنوان کشوری شیعه، ایران با طالبان ضد-شیعه که توسط امریکا کنار زده شده است دشمنی عمیقی دارد.

رژیمی دوستانه با ایالات متحده در تهران، واهمه ی قابل توجه سالیان اخیر ایالات متحده درباره ی دسترسی به منابع انرژی منطقه را برطرف خواهد کرد. واشنگتن نگران دسترسی احتمالی چین به منابع نفت و گاز خاورمیانه از طریق خط لوله ی زمینی از آسیای میانه و یا پاکستان به ایران و یا احتمال توفیق هند در ترتیب دادن خط لوله ی پیشنهادی ایران پاکستان بوده است. اگر رژیم تهران با منافع استراتژیک و انرژی ایالات متحده همسو باشد، این تحولات خطر کمتری را برای واشنگتن به همراه خواهد داشت.

اقدامات دولت اوباما حاکی از آن است که هم اکنون بهبود روابط با تهران در دست بررسی است و مطبوعات غربی به برنامه های ایالات متحده برای مذاکرات با تهران اشاره داشته اند.

مقاله بیستم می نیویورک تایمز نوشت " استراتژی آقای اوباما بر این قمار بزرگ استوار است که پس از انتخابات ۱۲ ژوئن ایران، راه برای متقاعد کردن ایرانیان که به سود دراز مدت آنان است که به توافق برسند و توانایی تولید سوخت هسته ای خودشان خود را به ازای یک سری مشوقهای وسوسه انگیز معاوضه کنند هموار خواهد بود. برای ماهها استراتژیست های کاخ سفید و وزارت امور خارجه بر سر اینکه چه مشوق هایی را پیشاپیش و به چه ترتیبی به ایرانیان عرضه دارند بحث کرده اند. ولی آنها با احتمال آزادکردن مسیر سرمایه گذاری در زیرساختارهای فرسوده نفتی ایران و حتی با پذیرفتن و کمک کردن به قابلیت هسته ای صلح آمیز ایران تا زمانیکه کشور از سوخت هسته ای دوری جوید آغاز می کنند."

تایمز اضافه می کند که اگر ایرانیان از مذاکره خودداری کنند، دولت اوباما برای مذاکره ی تحریم ها با چین و کشورهای اروپایی جهت منزوی کردن کامل اقتصاد ایران آماده می شود. چنانچه رسانه های آمریکا، به ویژه نوشته هایی روزنامه نگار محقق سیمور هرش در نیویورکر مکررا در سال های اخیر گزارش کرده اند، پنتاگون شماری طرح های عملیات نظامی بر ضد ایران را برای چنین شرایطی آماده کرده است.

نزدیکی روابط ایران و ایالات متحده بی سابقه نخواهد بود. در حکومت شاه از ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۹ ، ایران حکومت دستنشانده ی اصلی واشنگتن در خاورمیانه بود. با این حال، این تاریخ تلخ به عاملی مهم در روابط ایران و ایالات متحده اشاره دارد: امپریالیسم ایالات متحده همواره پافشاری دارد که نظارت و توزیع درآمدهای نفتی ایران تابع منافع شرکتهای عمده انرژی مستقر در ایالات متحده باشد.

در ۱۹۵۳، سازمانهای امنیتی ایالات متحده و انگلیس ترتیبات سرنگونی نخست وزیر ایران محمد مصدق را پس از اینکه او ترتیب تصویب قانونی را داد که صنعت نفت ایران را در ۱۹۵۱ ملی کرد فراهم آوردند. آنان شاه را انتصاب کردند که تا زمان سرنگونیش در انقلاب ۱۹۷۹ ایران که کارگران شرکت نفت با اعتصابات نیرومند خود پیشگام آن بودند، کشور را از طریق یک دیکتاتوری نظامی اداره می کرد.

ایجاد روابط دوستانه با واشنگتن بدون شک به اقدامات احمدی نژاد و اصلاح طلبان در جهت حذف یارانه ها و تمرکز هرچه بیشتر درآمدهای نفتی در دست طبقه ی حاکمه ی ایران شتاب خواهد بخشید و زمینه را برای آماده سازی برای توافقات با شرکتهای آمریکایی و سرمایه مالی آماده خواهد ساخت. در نهایت، روابط نزدیکتر میان تهران و واشنگتن تنها به زیان توده های ایران، که کاهش بیشتر سطح زندگی خود را شاهد خواهند بود و به زیان کارگران آمریکایی که تداوم هزینه های نظامی جنگهای ویرانگر ایالات متحده را در خاورمیانه و آسیای مرکزی تحمل خواهند کرد تمام خواهد شد.